

نگاره



واکسن، دنیا را از آلودگی ویروسی پاک خواهد کرد



کرونا جان می‌گیرد

اعلام وضعیت قرمز در سراسر کشور به‌دلیل فراگیری کرونا باعث شده که مردم در فضای مجازی با هشتگ کرونا جان می‌گیرد از مردم و همدیگر بخوانند که رعایت قرنطینه و زدن ماسک را بکنند. خصوصاً جهش ویروس کرونا و وجود کرونا دل‌نا نگرانی مردم را بیشتر کرد. در این شرایط ویدیویی کوتاه از یکی از هموطنان در سیستان و بلوچستان منتشر شد که طفل کفن کرده خود را در آغوش گرفته بود و از مردم می‌خواست که از دوره‌می دوری کنند: «این بچه ۲ ماهه بود... رعایت کنید



دیگه!»، «وضعیت قرمز است تو رو خدا به فکر هموطنای عزیزمون باشیم رعایت کنیم و ماسک بزنیم»، «دوستان، رفقا لطفاً توجه کنید. دیشب پدر باجناقم یکهو حالش بد میشه میرنش بیمارستان تا صبح تموم می‌کنه بعد گفتن کرونا دل‌نا گرفته بوده با اینکه خودش نمی‌دوسته، البته این بنده خدا تو کرمان این اتفاق براش افتاده. مخلص کلام اینکه بدون اینکه عوارضی نشون بده می‌کشه»، «پزشکان هشدار می‌دهند که استفاده بیش از حد از مواد ضدعفونی کننده دست می‌تواند منجر به

ارمنستان

همچنان ماجرای ارمنستان در فضای مجازی داغ است خصوصاً که سفیر ارمنستان در ایران شرط ارائه واکسن کرونا به گردشگران خارجی را اقامت حداقل ده روز اعلام کرده است. این موضوع باعث شد که کاربران فضای مجازی به خروج ارز از ایران و بر حفظ منافع ایران در کشور ایران تأکید کنند. «شما که میری کشور همسایه واکسن میزنی بقیه رو هم تشویق به اینکار می‌کنی بدان ممکنه از افراد نادانی بودی که آنقدر هزینه کردی آخرش واکسن_تقلبی بهت انداخته باشند! اینکه باعث میشی آنها به ریش همه بخندند یکطرف، خودت را هم تو کشور وسط کرونا ول کردی به امید اینکه واکسن زدی نمیوفتی!»، «حراج واکسن در آن طرف مرزهای ایران/ یکی بزَن چند تا ببر.....»، «دکتر جعفرصادق تبریزی، رئیس مرکز مدیریت شبکه وزارت بهداشت درباره سفر به ارمنستان برای تزریق واکسن

ساز او از هر سلاحی برتر بود

ژیوان گاسپاریان، یک عمر چنان عاشقانه در سازش دمید، که تا بد جدوی آن در دل عاشقان ماندنی است. او با ساز کوچکش چه لطیف پیام عشق ودوستی و صلح را به جهان هدیه داد. ساز دل او برتر از هر سلاح و قدرتی، در جهان طنین انداز شد و چه خوش گفت: در این خاک، در این مرزعه پاک/ به جز مهر/ به جز عشق/ دگر بنزد نگاریم/ یادش جاودان.



یادداشت حسین علیزاده در فقدان نوازنده سرشناس ساز دودوک به نقل از ایستا

در دوازدهمین سالروز درگذشت مهدی آذریزدی

نویسنده‌ای که زبان مخاطب را می‌شناخت

گنجینه ادبیات کهن ما سرشار از قصه‌ها، حکایت‌ها، افسانه‌ها، مثل‌ها، شعرها و منظومه‌هایی است که چنانچه به زبان ساده و امروزی نوشته شود، کودکان و نوجوانان می‌توانند آنها را بخوانند و لذت ببرند.

مهدی آذریزدی یکی از اولین کسانی است که به ارزش این گنجینه پی برد و به بازنویسی این آثار گرانقدر برای کودکان و نوجوانان پرداخت. البته آذریزدی نخستین و تنها کسی نبود که این کار را کرد اما او کسی بود که تمام عمرش را صرف این کار کرد. آذریزدی در سال ۱۳۰۰ خورشیدی در روستای خرمشاد یزد به دنیا آمد و در هجدهم تیر سال ۱۳۸۸ درگذشت. به پاس زحماتی که او برای نگارش آثار کودکان کشیده بود، روز درگذشتش «روز ملی ادبیات کودک» نام‌گذاری شد. او که دوران کودگی سختی را گذرانده بود در سال ۱۳۲۴ به تهران آمد و سال‌ها به‌عنوان نمونه‌خوان و مصحح در چاپخانه‌ها و انتشاراتی‌ها کار کرد و ضمن همین کارها بود که به یک خلأ جدی در

ادبیات معاصر پی برد و آن کمبود کتاب‌های مناسب برای گروه سنی کودک و نوجوان بود. در آن سال‌ها نوشته‌های ویژه کودکان و نوجوانان بسیار کم و بیشتر ترجمه آثاری از دیگر زبان‌ها بود. نویسنده‌ای بومی که اختصاصاً برای کودکان بنویسد کم بود و اصولاً نویسندگان، این نوع ادبی را جدی نمی‌گرفتند. نوشتن برای کودکان کاری درخور محسوب نمی‌شد. بعضی از نویسندگان بزرگسال گاهی برای تفنن آثاری برای کودکان می‌نوشتند که بیشتر هم جنبه تعلیمی و تربیتی داشت. چنین خلأیی باعث شد که مجموعه هشت‌جلدی «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» که نخستین جلد آن در سال

یادداشت



محمود برآبادی
نویسنده و پژوهشگر ادبیات

۱۳۳۶ منتشر شد و مجموعه ده‌جلدی «قصه‌های تازه از کتاب‌های کهن» که در سال ۱۳۴۴ به‌بازار آمد، به‌سرعت جای خود را باز کند و به‌چاپ چندم برسد. بویژه که جلد چهارم قصه‌های خوب یعنی قصه‌های مثنوی برنده جایزه یونسکو و جلد پنجم یعنی قصه‌های قرآن در سال ۱۳۴۵ از طرف شورای کتاب کودک به‌عنوان کتاب سال انتخاب شد. برای موفقیت بازنویسی‌های آذریزدی که همچنان آثارش تجدید چاپ می‌شوند ویکی از پرفروش‌ترین - و نه بهترین - بازنویسی‌هاست، چند دلیل را می‌توان برشمرد:

اول اینکه او در روزگاری دست به این کار زد که میدان برای اینگونه آثار خالی بود. کتاب کودک و نویسنده کودک کم بود و آنچه به‌نام کودکان منتشر می‌شد ترجمه‌هایی بود از نویسندگان خارجی که افسانه‌های آلمانی و انگلیسی و روسی را بازنویسی کرده بودند و در نشریات کودک آن زمان مثل مجلات پیک، کیهان بچه‌ها، اطلاعات دختران و پسران و گاه در صفحه ویژه کودک نشریات بزرگسال منتشر می‌شد.

دوم اینکه یک ناشر معتبر، امیرکبیر- با تصویرگری افراد صاحب‌نام از جمله مرتضی ممیز و باکیفیت خوب، آنها را منتشر کرد که در استقبال

خوانندگان مؤثر بود، اما مجموعه دوم یعنی «قصه‌های تازه از کتاب‌های کهن» چنین استقبالی را در پی نداشت.

سوم انتخاب درست قصه‌ها و به‌کارگیری نثر رایجی شیرین از سوزی نویسنده است که می‌تواند ارتباطی قوی و مؤثر با مخاطب برقرار کند. نثری که حد واسط قصه‌گویی و داستان‌نویسی است و در کمتر آثار بازنویسی پس از او دیده می‌شود. شخصیت‌ها نیز در این موفقیت‌بی‌تأثیر نبود. آذریزدی نویسنده‌ای ساده‌زیست بود که همه

زندگی‌اش کتاب بود. اهل هیاهو و تبلیغات و دنبال‌این‌و‌آن رفتن نبود. او هر چند

تحصیلات دانشگاهی نداشت اما زبان مخاطب خود را خوب می‌شناخت.

آسانی اقتصاد با اقتباس

چی ببینیم؟ چی بخوانیم؟ پیشنهاد من برای این هفته تماشای یک فیلم مستند اقتباسی است. بنابراین برای علاقه‌مندان به موضوع فیلم این امکان فراهم است که کتاب آن را هم بخوانند.

فیلم مستند «سرمایه در قرن بیست و یکم» که عنوانش ما را به یاد کتاب مشهور «سرمایه» کارل مارکس می‌اندازد، کتابی که در قرن نوزدهم منتشر شد و به کتاب مقدس مارکسیست‌ها تبدیل گردید، اقتباسی است در گونه سینمایی مستند از کتابی به همین نام و نوشته توماس پیکتی، دانشمند جوانی که حالا به‌خاطر همین کتاب و پرفروش شدنش در فهرست نیویورک تایمز نام

شناخته‌شده‌ای شده است.

علم اقتصاد اگرچه دانشی پیچیده و پر ماجراست اما از آنجا که هرکسی با دخل و خرج سر و کار دارد و از طرفی سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها تأثیر مستقیم روی این دخل و خرجش می‌گذارد به خود این حق و اجازه را می‌دهد درباره مسائل خرد و کلان اقتصادی بیندیشد و حتی نظر بدهد.

آنچه در یک سیاست اقتصادی برای فرد فرد جامعه اهمیت دارد توانایی آن سیاست در مدیریت صحیح توزیع و انباشت ثروت است و همین می‌شود که یک دیدگاه اقتصادی با شعار عدالت و توزیع مساوی ثروت، انقلاب کمونیستی را در اوایل قرن بیستم موجب

می‌شود.

در فیلم (و مفصل‌ترش در کتاب) «سرمایه در قرن بیست و یکم»، توماس پیکتی سؤال بزرگ اقتصاد سیاسی را دوباره طرح و با شرایط قرن حاضر تلاش می‌کند به آن پاسخ دهد: چه عواملی در انباشت و توزیع ثروت تأثیر دارند؟ الگوهای اصلی اما پنهان اقتصادی و اجتماعی در زمانه حاضر چیست و چرا پیش‌بینی مارکسیست‌ها از فروپاشی جامعه سرمایه‌سالار هنوز محقق نشده است.

فیلم و کتاب «سرمایه در قرن بیست و یکم» را اکنون اثری بلند پروازانه از نویسند‌های جوان و جسور می‌دانند که چهارچوب‌های نظریه‌پرداز‌ی‌های رایج درباره ثروت و بی‌عدالتی اجتماعی را به چالش کشیده است. اگر نگران دشواری خواندن یک کتاب اقتصادی هستید قول می‌دهم از تماشای مستند آن بهره کافی خواهید برد. کتاب توسط نشر آمه به زبان فارسی ترجمه و منتشر شده است و نسخه زیرنویس فارسی مستند را هم با جست‌وجوی ساده‌ای در اینترنت می‌توانید بیابید و دانلود و تماشا کنید.

عکس نوشت

خبرگزاری بین‌المللی قرآن در گزارش تصویری به سفارش سنگ‌قبر پرداخته و از قیمت ۳ میلیونی تا ۵۰ میلیونی خبر داده است. سنگ‌هایی که گاهی دست دوم و گاهی هم قسطی تهیه می‌شود. در این گزارش، تصویری از هنرمندان هم دیده می‌شود.



اگر از کسی بدمان می‌آید، در واقع از چیزی درون آن شخص نفرت داریم که درون خودمان نیز هست. چیزی که جزئی از ما نباشد ما را درگیر نمی‌کند.

دمیان
هر مان هسه

کرونا باعث شد بیش از گذشته تحقیق و پژوهش کنیم

کرونا در این مدتی که با آن مواجهیم بر اقتصاد همه مردم دنیا تأثیر منفی گذاشت و در نتیجه برای من هم که نویسنده هشتم این تأثیر مشهود بود. به‌نظر من تأثیر دیگری که کرونا بر زندگی من به‌عنوان کسی که کارش تحقیق و پژوهش و نوشتن است، گذاشت، همان عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد.

من ناچار شدم به خاطر شرایط ماندن در خانه بیشتر بخوانم و بنویسم. حتی کارهای گذشته‌ام را که نوشتم، توانستم نقد کنم و اشکالات و ایرادات آن را برطرف کنم و این برای من فرصت خوبی بود. حتی کتاب‌های نخوانده‌ام را خواندم. تجربه این اتفاق جهانی به ما نشان داد که مدیران جامعه شناسان و نیز کارشناسان ارتباطات باید برنامه‌ریزی کنند که دنیایی که به این شکل درآمده و انسان‌ها نمی‌توانند از نزدیک با هم ارتباط برقرار کنند، چگونه از فضای مجازی برای داد و ستدها اقتصاد و فرهنگی به نحو صحیح استفاده کنند؟ این یک پروژه بسیار گسترده است و گمان می‌کنم که این رویداد در آینده بشر اتفاق خواهد افتاد. اکنون ما می‌توانیم با زدیک‌انمان به‌صورت تصویری با صوتی ارتباط داشته باشیم در هر جای جهان که باشند. اما زمان‌های دور نامه نگاری مرسوم بود و بعد از مدت طولانی نامه به‌دست گیرنده می‌رسید. اصلاً آدم دیگر یادش نمی‌ماند که چه چیزی خواسته یا نوشته و بعد هم گیرنده تا جواب بدهد، دوسه ماهی طول می‌کشید تا پاسخ را دریافت کند. اما اکنون در چند ثانیه می‌توانیم با یکدیگر از طریق وسایل ارتباط جمعی صحبت کنیم و به نتیجه برسیم. قطعاً اگر این ماجرا ادامه پیدا کند انسان راه خود را پیدا می‌کند.

در حوزه نشر ما شاید کرونا تأثیر زیادی نداشته باشد. پیش از بحث کرونا هم تیراژ کتاب به دیوست با سیصد تا رسید و بعضاً به هزار تایی که بعضی‌ها برای آبروداری این عدد را منتشر می‌کنند. اما در خفا گفته شده است که سیصد تا کتاب چاپ شد. این مشکل فرهنگی جامعه است. قشر طبقه متوسط که بیشتر کتابخوان هستند در تنگنای اقتصادی مجبورند که دو شیفت کار کنند و بعد از این‌همه کار حال و روزی نمی‌ماند که بخوانند کتاب هم بخوانند. خیلی از دوستانم که اهل نوشتن هستند، می‌گویند از خیلی‌ها این سؤال را پرسیده‌اند که مثلاً صد هزار تومان داری هم می‌خواهی کتاب بخری و هم اینکه غذا یا گوشت؟ چه کار می‌کنید؟ همه آنها گفتند که مایحتاج خانه را می‌خریم. این مسأله کاملاً طبیعی است. نه اینکه آنها از ادب و دانش و کتاب روی برگردانده باشند بلکه به خاطر مسائل و مشکلات اقتصادی مجبور به ترک خرید کتاب می‌شوند.

وجه دیگر ماجرا فضای مجازی است. اکنون به‌جای اینکه تفکر و اندیشه و خرد در زندگی مردم جاری و ساری باشد داده‌ها کراساز شده‌اند. انسان‌ها مثل جوجه‌هایی شده‌اند که دهانشان باز است و منتظرند اطلاعاتی به دستشان برسد. همیشه در صفحات مجازی هم هستیم. آنقدر بمباران اطلاعات می‌شویم که فرصتی برای اندیشه نمی‌ماند. کتاب همیشه به ما دانش داده است و انسان را به ذوق و اشتیاقی گشانده است. اما این داده‌های فضای مجازی در جایی انسان را غمگین می‌کند و جایی هم شاد و در مواقعی هم ترس بر دل آدمی می‌افکند. انسان مثل موم در دست اطلاعات است. اما جایی که دانش اندوزی می‌کنیم شکوفا می‌شویم.

بنابراین در عامل اقتصادی و فضای مجازی باعث شده است که تیراژ کتاب پایین بیاید. البته صفحات مجازی در همه کشورها هست. اما آنها تیراژ کتاب دارند ولی ما نداریم. بنابراین عامل اقتصادی بیش از عامل دوم در ایران تأثیرگذار بوده است.

